

مبانی حقوقی تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل متحد^۱

دکتر فاضل فیضی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۸

چکیده:

مبنای حقوقی ناظر بر تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل متحد، مفاد مواد ۳۹ و ۴۱ منشور سازمان ملل متحد می‌باشد. ماده ۳۹ منشور به صلاحیت انحصاری شورای امنیت در تشخیص اقدامات ناقضانه دولتها اشاره داشته و در ادامه به صلاحیت شورا در اعمال اقدامات تحریمی اشاره دارد. ماده ۴۱ نیز به مجموعه‌ای از اقدامات تحریمی اشاره دارد که از سوی شورای امنیت علیه دولت هدف^۳ اعمال می‌شود. بر اساس بندهای دوم و سوم ماده ۲ و مواد ۲۴، ۲۵، ۴۹ و ماده ۱۰۳ منشور، اعضاء ملزم به رعایت قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل هستند. با این حال اعضاء تا زمانی ملزم به قبول و اجراء قطعنامه‌ها می‌باشند که محتوای آنها با روح و محتوای منشور ملل متحد سازگار بوده و با قواعد آمره، اصول حقوق بشر و حقوق اساسی انسانها مانند حق توسعه، حق غذا، حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و دارویی و مانند اینها منافات نداشته باشد. در این تحقیق ضمن اشاره به چیستی تحریم‌ها، انواع آن، به مبانی حقوقی انواع تحریم‌های رایج در نظام بین‌الملل و چالش‌های پیش روی آنها اشاره خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: تحریم، سازمان ملل، شورای امنیت، تحریم اقتصادی، تحریم یکجانبه،

اقدامات قهر آمیز، مبانی حقوقی

^۱ - این مقاله مستخرج از بخشی از طرح پژوهشی با نام «تاثیر تحریم‌های سازمان ملل بر ج.ا.ا. با تاکید بر پرونده هسته‌ای ایران» است که با حمایت معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان صورت گرفته است.

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی،

قزوین، ایران

مقدمه:

بر اساس بند (۱) ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، هدف اصلی این سازمان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. بر اساس بندهای (۲) و (۳) ماده ۱ اگر چه سازمان ملل متحد برای وصول به این هدف از مجموع متنوعی از روش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره می‌برد، در یکی دو دهه اخیر بویژه پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی، استفاده از تحریم اقتصادی^۱ به عنوان ابزاری جهت تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و نیز حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی رواج بیشتری یافته است. (فرخ سیری، ۱۳۸۷: ۳۹)

در ضمن الگوی استفاده از تحریم از سال ۱۹۹۰ تغییر یافته و موارد اصلی چند جانبه شده و تحت نظارت سازمان ملل در آمده است. (زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۰) تحریم اقتصادی ابزاری برای نفوذ در رفتار دولتها یا گروه‌های هدف است که رفتارشان برای کشور یا گروهی از کشورها قابل قبول نیست. (آذری، ۱۳۸۷: ۶) تحریم اقتصادی حد فاصل مذاکره و جنگ هستند. (والنستین، ۱۳۸۷: ۷) تحریم‌ها در مواقعی به صورت اقدامات قهری «به جز جنگ» ابزاری چند منظوره در دیپلماسی بازدارنده و یک، استراتژی محرک برای تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور هدف، یا حتی مقدمه‌ای برای جنگ می‌باشد. (زهرانی، ۱۳۸۷: ۵۰) با توجه به اهمیت و جایگاه سیاست تحریم در روابط بین‌الملل کنونی و منشور ملل متحد در این نوشتار ما به دنبال این هستیم که مبانی و قواعد حقوقی ناظر بر تحریم‌های بین‌المللی کدام هستند؟ و اینکه سازمان ملل در اعمال این نوع از تحریم‌ها با چه محدودیت‌ها و موانعی مواجه می‌باشد؟

به طور مقدماتی باید ذکر نمود که اقدامات تحریمی سازمان ملل متحد از طریق شورای امنیت در قالب فصل هفتم و ماده ۴۱ منشور ملل متحد می‌باشد. بر این اساس اصل توسل به ابزار تحریم توسط شورای امنیت در حقوق بین‌الملل شناسایی شده است. در همین راستا، بر اساس ماده ۲۵ اعضای سازمان، متعهد به اجرای تصمیمات شورای امنیت می‌باشند. با این حال اقدامات شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی مطلق نبوده بلکه اقدامات مذکور در

¹ -Economic Sanction

ماده ۴۱ باید بر اساس حقوق بین‌الملل و با رعایت اصول حقوق بین‌الملل عام، قواعد آمره، مقررات خاص منشور و قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه باشد.

الف) مباحث مفهومی در باب تحریم‌های سازمان ملل متحد

تعریف تحریم: تحریم عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۰) "هنری بنین" و "رابرت گیلپین" تحریم را دست کاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که به منظور ناگزیر کردن جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود، آن را تهدید به تنبیه اقتصادی می‌کند. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۶۷) "مایکل مالوی" اعتقاد دارد که تحریم سلسله اقدامات بدون استفاده از قوای تهدید علیه کشور هدف یا فرد مورد نظراست. (مالوی، ۱۹۹۰: ۷) برخی نیز هدف رژیم تحریم را بازدارندگی اقتصادی دانسته‌اند. (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۱۶۶)

«مارگارت داکسی» معتقد است که تحریم‌ها عبارتند از تنبیهاتی که در قالب تبعات اعلام شده ناکامی دولت هدف در تبعیت از استانداردها یا الزامات بین‌المللی، تهدید به اجرا و یا واقعاً اعمال شده‌اند. (داکسی، ۱۹۹۶: ۹)

"رابرت پی اوکووین" معتقد است که "تحریم‌ها تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند". البته این تسلیحات نیز مانند تمامی دیگر تسلیحات راهبردی، باید با حداکثر احتیاط به کار گرفته شوند تا مبادا شرکت‌های خودی و کارگران، تامین‌کنندگان و سهامداران آنها هدف آتش خودی قرار گیرند. (اوکووین، ۲۰۰۰: ۲۸)

«هافبائر و اسکات» با محدود کردن تعریف به ابعاد عملیاتی، معتقدند که تحریم اقتصادی عبارت است از: حذف آگاهانه و با خواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول. (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۱)

تحریم اقتصادی ابزاری برای نفوذ در رفتار دولت‌ها یا گروه‌های هدف است که رفتارشان برای کشوری یا گروهی از کشورها قابل قبول نیست. در طبقه بندی کنش دولت‌ها، تحریم به طور سنتی در منطقه خاکستری، بین دیپلماسی و جنگ، قرار می‌گیرد. زمانی که تمام گزینه‌های دیپلماتیک در تعدیل رفتار دولت‌ها یا گروه هدف بی نتیجه می‌مانند، تحریم‌های بین

المللی مطرح می‌شوند. تحریم یک عمل دسته جمعی و کیفری است که متضمن اقدامات لازم دیپلماتیک، اقتصادی، یا نظامی در برابر کشوری است که برخلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است. (آذری، پیشین: ۶-۵)

باید توجه داشت که در منشور ملل متحد تحریم فقط روابط اقتصادی را شامل نمی‌شود، بلکه تمام روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. با این حال شورای امنیت می‌تواند با توجه به نوع تشخیص خود میزان و نوع خاص از تحریم را اعمال نماید. گستره بازیگرانی که می‌توانند به اعمال تحریم در سطح بین‌المللی بپردازند، می‌تواند شامل یک دولت، گروهی از دولت‌ها، جامعه بین‌المللی و بازیگران غیردولتی باشند. (کراجیو، ۲۰۱۰: ۸) به طور کلی چنین تحریم‌هایی سه هدف را دنبال می‌کنند؛ اولاً: تلاش دارند از طریق بالا بردن هزینه رفتار دولت خاطی؛ آن را متقاعد نماید تا رفتار و سیاست خلاف قواعد بین‌المللی را تغییر دهد. دوماً: تلاش می‌کند از طریق تضعیف کشور هدف از دستیابی آن به اهداف نامشروع بین‌المللی جلوگیری کنند. سوماً: باعث می‌شود که طرف تحریم کننده هویت خود را در مقابل طرف متخاصم تعریف کند. (همان)

برخی نیز معتقدند که تحریم‌های بین‌المللی سه کارکرد دیپلماتیک دارد که به صورت پیام به مخاطبان ارسال می‌گردد: اعلان نگرانی جامعه بین‌المللی نسبت به در خطر افتادن وضع موجود و تداوم این رفتار - تاکید بر اینکه رفتار دولت هدف برای جامعه بین‌المللی غیر قابل قبول است. - هشدار درباره اینکه عدم توجه به نگرانی بین‌المللی، توسل به زور را در پی دارد. (آذری، پیشین: ۵)

انواع تحریم: تحریم به عنوان یک سیاست و اقدام تنبیهی می‌تواند در سطوح ملی، منطقه-ای و بین‌المللی باشد و یا می‌تواند در سطوح دولتی و غیر دولتی نیز صورت گیرد. همچنین تحریم به لحاظ موضوعی به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی، تحریم‌های فرهنگی و ارتباطی. تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک معمولاً در قالب کاهش سطح مناسبات دیپلماتیک، کاهش یا جلوگیری از مسافرت مقامات سیاسی و دیپلماتیک، ایجاد محدودیت‌های امنیتی جغرافیایی و ارتباطاتی برای

سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های کشور هدف بروز می‌یابد. تحریم‌های اقتصادی عمدتاً در قالب تحریم‌های تجاری و مالی صورت می‌گیرد که منجر به قطع یا کاهش واردات و صادرات، اختلال در روابط پولی و مالی و تحت فشار قرار دادن سرمایه‌گذاری، تامین مالی و معاملات مالی یک کشور می‌گردد. تحریم‌های فرهنگی و ارتباطی در قالب‌های کاهش یا لغو مبادلات فرهنگی، همکاری‌های علمی، مسابقات دانشگاهی، رقابت‌های ورزشی و گردشگری نمود می‌یابد. همچنین محدودسازی یا صرفنظر نمودن از اعطای ویزا برای کشور هدف، لغو ارتباطات تلفنی، کابلی و پستی، تعلیق یا لغو حق امتیاز فرود و عبور هواپیما حق عبور از آب، لنگرگیری ترانزیت منطقه‌ای را شامل می‌شود. (آذری، همان، ۷)

۱- تحریم خصوصی یا ملی

گاه تحریم ممکن است توسط افراد یا گروه‌ها یا تشکیلات غیر دولتی به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش یا حتی دولت متبوع خود این افراد به انجام رفتار مشخص صورت گیرد. (حدادی، پیشین: ۱۱۲) در طی سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳ پس از اشغال منچوری توسط ژاپن، مردم چین به طور گسترده تجارت با ژاپن را تحریم کردند. در ایران دوره قاجار نیز تحریم استعمال تنباکو توسط مردم ایران و با پیروی از حکم تحریمی آیت الله میرزای شیرازی نمونه‌ای از تحریم خصوصی (ملی) می‌باشد. تحریم مردم هندوستان علیه انگلستان (۱۸۹۶)، تحریم مصر علیه انگلستان (۱۹۰۵، ۱۹۳۰) تحریم مردم ترکیه علیه امپراتوری اتریش-مجارستان (۱۹۰۸، ۱۹۰۹) و تحریم مصر علیه انگلستان (۱۹۲۴) از موارد دیگر تحریم‌های خصوصی (ملی) می‌باشد. تحریم‌های خصوصی معمولاً مطابق با حقوق ملی مورد قضاوت قرار می‌گیرند، مگر اینکه دولت آنها را آغاز کرده یا دستور داده باشد یا بوسیله معاهدات دو جانبه یا چند جانبه، دولت متعهد شده باشد که جلوی تحریم را بگیرد و اگر مشخص شود که یک تحریم خصوصی غیر قانونی بوده تنها در موارد نادری همچون موارد مربوط به نقض قواعد حمایت از زندگی و اموال بیگانگان، مسئولیت بین‌المللی دولت مطرح خواهد شد. (فیوضی، ۱۳۵۲)

۲- تحریم‌های دولتها علیه یکدیگر

این تحریم دولت محور بوده، و توسط یک دولت علیه دولت دیگر بکار برده می‌شود. نمونه بارز این نوع تحریم، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی یکی از

ابزارهای اصلی دولتها در اعمال فشار بر دولت دیگر می‌باشد و در واقع یکی از فنون مؤثر و کارآمد در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدفها و تامین منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیک می‌باشد. در این راستا دولت استفاده کننده از این حربه سعی می‌کند دولتهای دیگر را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی شان وادار کند، به گونه‌ای که دگرگونی‌های حاصل از داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی آورد. (قوم، ۱۳۷۲: ۲۱۰) آن طوری که "جورج لویز" و "دیوید کارترایت" می‌گویند تحریم‌های اقتصادی جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک در طول قرن‌ها بوده است. اساساً امروزه تحریم به عنوان یک استراتژی برای آغاز جنگ اقتصادی در جریان خصومت و با اهدافی متفاوت فرض می‌شود. (زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۰) تحریم‌های آمریکا علیه لیبی، تحریم آمریکا علیه هائیتی در سال ۱۹۹۲، تحریم کوبا و عراق نیز نمونه‌های استفاده از ابزار تحریم اقتصادی آمریکا علیه دولتهای مخالف خود می‌باشد. یکی از شاخص‌های سیاست خارجی آمریکا در استفاده از ابزار تحریم، علاوه بر فشار اقتصادی، اعمال فشار سیاسی و ترغیب سایر کشورها به پیروی از سیاست‌های تحریمی این کشور می‌باشد. در حالی که بر اساس مفاد منشور سازمان ملل متحد و رویکرد اکثر کشورهای در حال توسعه، بهره‌گیری از ابزار تحریم در سیاست خارجی امر مذموم و نا مشروعی تلقی می‌شود، بسیاری از کشورهای غربی و توسعه یافته از جمله ایالات متحده با ابتناء به نظریه حاکمیت دولتها مدعی استفاده از این ابزار در سیاست خارجی خود می‌باشند. اقدامات تحریمی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نیز در این قالب توجیه می‌شود. دولت آمریکا ادعا می‌کند که ایران برخی از قواعد حقوق بین‌الملل را نقض نموده است که از جمله آن ایراد اتهام حمایت از گروه‌های تروریستی، مخالفت با روند صلح خاورمیانه و تلاش در دستیابی به سلاح‌های کشتار دسته جمعی می‌باشد. این در حالی است که بر اساس منشور ملل متحد و قطعنامه‌های مجمع عمومی بهره‌گیری از تمام اشکال اجبار در زندگی بین‌المللی از جمله فشار اقتصادی علیه کشور دیگر محکوم شده است. (قطعنامه شماره ۲۱۰ مجمع عمومی، ۱۹۹۱)

تحریم دولت محور، ممکن است به صورت دسته جمعی بوسیله گروهی از دولتها علیه دولت یا دولت‌های دیگر نیز نمود پیدا نماید. تحریم اسرائیل از سوی کشورهای عرب که به عنوان بزرگترین تحریم فراملی رویه‌های جدیدی در حقوق بین‌الملل ایجاد کرد، از این دسته از تحریمه می‌باشد. این تحریم باعث توسعه ادبیات تحریم در حقوق بین‌الملل گردید و در نتیجه تحریم‌های اولیه جنبه مشروع و قانونی پیدا کرد و تحریم‌های ثانویه و ثالثه به لحاظ ویژگی فرامرزی آن نامشروع شناخته شد. (عسگرخانی، پیشین: ۱۶۸) همچنین تحریم مصر توسط کشورهای عرب بخاطر صلح با اسرائیل از نمونه‌های این نوع تحریم می‌باشد.

۳- تحریم‌های سازمان ملل متحد

نظام تحریم در قالب یک نهاد بین‌المللی اولین بار توسط جامعه ملل بنیانگذاری شد. بر اساس مواد ۱۶، ۱۷ اعضای جامعه ملل روابط اقتصادی، تجاری و مالی خود را با اعضایی که بر خلاف تعهدشان در میثاق عمل می‌کردند، قطع می‌نمودند، با این حال جامعه ملل به دلایل مختلف از جمله نداشتن ضمانت اجرای محکم در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ناتوان بود و به تبع آن رژیم تحریم جامعه ملل نیز در مجازات اعضای خاطی مؤثر عمل نمود و به همین دلیل به هنگام تهیه و تدوین پیش نویس اساسنامه سازمان ملل متحد، نویسندگان منشور ملل متحد در صدد ایجاد نظام قوی‌تر بر آمدند و مهمترین اقدام آنها در تحقق این هدف تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در شورای امنیت بود. در قالب ساختار سازمان ملل متحد هم شورای امنیت و هم مجمع عمومی دارای نقش و قدرت تحریمی هستند، اما تحریم‌های مجمع عمومی جنبه توصیه داشته و ضمانت اجرای آن افکار عمومی بین‌المللی است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئولیت شناسایی نقض صلح، تهدید صلح و وقوع عمل تجاوز نظامی را بر عهده داشته و در این راستا بر اساس ماده ۴۱ منشور، می‌تواند از اقدامات تحریمی بهره بگیرد. بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، شورای امنیت از ابزار تحریم بیشتر بهره برده است. به گونه‌ای که در دوره بعد از جنگ سرد شورای امنیت علیه کشورهایمانند لیبی، لیبیا، عراق، سومالی، یوگوسلاوی، هائیتی، کره شمالی و ایران نیز اعمال تحریم نموده است، افزایش تعداد تحریم‌های اعمال شده این تصور را پدید می‌آورد که این ابزار اجرایی شورای امنیت در مقایسه با توسل به قوه قهریه بویژه برای اعضای دائم شورای امنیت

هزینه کمتری دارد و این تحریم‌ها در مواقعی به صورت اقدامات قهری، ابزاری چند منظوره در دیپلماسی بازدارنده و یک استراتژی محرک برای تغییر سیاسی و اجتماعی در کشور هدف یا حتی مقدمه‌ای برای جنگ می‌باشد. (زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۰)

در حال حاضر با توجه به مشکلات و چالش‌های پیش روی تحریم‌ها مانند نقض مکرر و گسترده تحریم‌ها از سوی برخی از کشورها با هدف تامین اهداف استراتژیک، اعمال فشار مکرر بر اقشار مختلف و آسیب پذیر کشور هدف و گرایش هر چه بیشتر شورای امنیت سازمان ملل به وضع تحریم‌های بیشتر علیه کشورها موجب شده تا شورای امنیت بازنگری‌هایی را در این ابزار بین‌المللی اعمال نماید. تحریم‌های هوشمند^۱ و هدفمند نتیجه بازنگری شورای امنیت در موضوع تحریم‌هاست و تحریم‌های جدید به لحاظ اعمال فشار بر مقامات و تصمیم گیرندگان داخلی از طریق ممنوعیت سفر، مسدود کردن حساب‌های بانکی مقامات و تصمیم گیرندگان، تهدید به اعمال مجازات‌های بیشتر و همچنین ایجاد ضوابطی برای تعقیب کیفری تصمیم گیرندگان در چارچوب دادگاه‌های خاص و دیوان کیفری بین‌المللی آثار و پیامدهای تحریم‌های گذشته را ندارند، چرا که به صورت موردی و علیه تصمیم گیرندگان اصلی اعمال می‌شود. با وجود این، سخن گفتن در خصوص پیامدهای مثبت و منفی تحریم‌های جدید مستلزم گذشت زمان و آشکار شدن میزان کارآیی و موفقیت آنها در دستیابی به اهداف تحریم هاست. (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۷: ۵۶۵-۵۶۳)

اهداف تحریم‌های سازمان ملل متحد: با توجه به هزینه‌های توسل به جنگ، در طول دهه نود اقبال سازمان ملل و برخی از کشورها بویژه ایالات متحده به استفاده از ابزار تحریم بیشتر شده است. از اهدافی که تحریم کنندگان از تحریم کشور هدف دارند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- ابراز وجود یا قدرت در سطح بین‌المللی از سوی تحریم کنندگان ۲- تنبیه و مجازات یک کشور به دلیل سیاست‌های آن ۳- نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های یک کشور ۴- اطمینان خاطر دادن به مخاطبان مورد نظر در کشور تحریم کننده که دولت آن کشور با سیاست‌های کشور هدف مخالف است ۵- تمایل به تاثیرگذاری در سیاست-

^۱ -Smart Sanctions

ها و حتی تغییر رژیم سیاسی یک کشور ۶- ایجاد بی ثباتی در کشور هدف عموماً به قصد ایجاد تغییر در نظام سیاسی آن کشور ۷- کاهش توان نظامی، اقتصادی و سیاسی کشور هدف. (آذری، پیشین: ۱۳)

شورای امنیت نیز در اعمال تحریم یکی از اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. تهاجمی: در این حالت تحریم برای تغییر رفتار کشوری خاص به کار گرفته می‌شود.

۲. دفاعی: در این حالت تحریم برای کاهش سریع توسعه توانایی‌های استراتژیک کشوری خاص به کار گرفته می‌شود. مانند اعمال تحریم تسلیحاتی علیه سومالی و یوگسلاوی سابق برای کاهش قدرت جنگی آنها.

۳. ارتباطی: در این حالت تحریم برای ارسال پیام عدم رضایت نسبت به رفتار کشوری خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. (ولیزاده، پیشین: ۳۵۲)

۴. اعمال تحریم ممکن است مقداری برای بکار گرفتن قوه قهریه از سوی سازمان ملل علیه یک دولت باشد. مانند توسل به زور علیه عراق در قضیه تجاوز آن دولت علیه کویت، پس از اعمال تحریم لازم الاجرا از سوی شورای امنیت صورت گرفت. (حدادی، پیشین: ۱۲۳)

عده‌ای از پژوهشگران هدف کانونی تحریم‌های سازمان ملل را اعمال فشار بر شهروندان یک دولت می‌دانند، تا بدین وسیله آنها نیز دولت‌های متبوع خود را برای اتخاذ رفتار مناسب تحت فشار قرار دهند و در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند که گرچه در تحریم عنصری از تنبیه وجود دارد، اما صرفاً به منظور ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت این کشور است. (حدادی، همان: ۱۱۱) عده‌ای نیز مهمترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می‌دانند. (ظریف، ۱۳۷۶: ۹۲)

ب) مبانی حقوقی تحریم‌های بین‌المللی

وجاهت حقوقی تحریم‌های بین‌المللی به یک اندازه نمی‌باشد. تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های سازمان ملل متحد دارای مبانی حقوقی متفاوتی می‌باشند که در اینجا به توضیح هر کدام از آنها می‌پردازیم.

یکم) مبانی حقوقی تحریم‌های یکجانبه:

تحریم‌های یکجانبه معمولاً از سوی یک یا مجموعه‌ای از دولت‌ها علیه دولت دیگر اعمال

می‌شود. دلایل و انگیزه‌هایی را که در توجیه اعمال تحریم‌های یکجانبه از سوی دولت-های تحریم‌کننده بیان می‌شود، می‌توان به چند دیدگاه حقوقی تقسیم بندی کرد که عبارتند از:

۱- نظریه حاکمیت کشور یا نظریه انتقام^۱: به طور سنتی تحریم‌های یکجانبه اغلب در قالب نظریه انتقام اعمال می‌شده است. وقتی که یکی از دولت‌ها یک قاعده بین‌المللی یا تعهد خود را نقض نماید، دولت یا دولت‌های قربانی، حق توسل به تحریم جهت مجازات کشور خاطی را خواهند داشت (مجلسی، ۱۹۹۹:۱۹) قائلین به این نظریه اعتقاد دارند که سلب صلاحیت دولت‌ها در توسل به تحریم اقتصادی با اصل حاکمیت بخصوص اصل «حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود» مغایرت دارد. (ممتاز: ۲۲۱) استدلال نظریه حاکمیت این است که چون کشورها دارای حاکمیت هستند، می‌توانند در تنظیم روابط خارجی خود با دیگر کشورها آزادانه عمل کنند. این قاعده هم در روابط اقتصادی و هم در روابط سیاسی وجود دارد. این نظریه به طور مشخص در اواسط قرن هیجدهم توسط افرادی مانند «واتل» حقوقدان سوئیسی عنوان گردید. (حدادی، پیشین: ۱۱۵) طرفداران این نظریه برای تاکید بر دیدگاه خود به برخی از آراء قضایی و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل استناد می‌نمایند که برخی از آنها عبارتند از: قطعنامه مجمع عمومی در مورخه ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ به شماره ۱۸۰۳ که بر اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود تاکید داشت و یا ماده یک (بند دوم) میثاق حقوق اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ که اعلام می‌دارد که کلیه ملت‌ها می‌توانند برای نیل به اهداف خود، منابع و ثروت‌های طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل، آزادانه به مصرف برسانند. (حدادی، همان: ۱۱۶) بدین ترتیب و به موجب این نظر اقدامات و تصمیمات اخیر ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در جهت تحریم اقتصادی ایران از لحاظ حقوق بین‌الملل قابل توجیه بوده و مغایر حقوق بین‌الملل نیست. (ممتاز: ۲۱۵) در نقد این دیدگاه می‌توان گفت که، تردیدی نیست که مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی، اصل حاکمیت دولت‌ها بر

^۱ -Retaliation Theory

منابع طبیعی خود و یا اصل آزادی ملل در تعیین سرنوشت خود را شناسایی کرده است، اما باید دانست که اصل حاکمیت کشورها تضادی با همکاری کشورها بویژه کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه ندارد، و برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرایط عادلانه و منصفانه یکی از مظاهر حاکمیت دولتها می‌باشد. ضمن اینکه توسل به تحریم با استناد به نقض یک قاعده بین‌المللی از سوی یک کشور تحریم کننده نباید منجر به نقض قواعد آمره مانند اصل عدم مداخله و مسائل انسان دوستانه باشد. علاوه بر این توسل به تحریم‌های یکجانبه با روح همکاری جویانه جامعه بین‌المللی مغایرت دارد. نهایت اینکه در صورت اختلاف حقوقی کشورها در ارتباط با نقض یک قاعده بین‌المللی، قبل از توسل به اقدامات تحریمی و انتقام جویانه یکطرف، آنها باید به مراجع قضایی و داوری بین‌المللی مراجعه نمایند.

۲- نظریه منع قانونی: بر اساس این نظریه تحولات اخیر جامعه بین‌المللی در جهت محدودیت بیش از پیش حاکمیت دولتهاست. (ممتاز: ۲۱۶) به این معنی که رشد روز افزون وابستگی متقابل کشورها و ضرورت گسترش همکاری‌های بین‌المللی در کلیه سطوح، بویژه در زمینه‌های اقتصادی باعث شده است که حقوق بین‌الملل عمومی هم در جهت ایجاد محدودیت‌هایی برای کشورها حرکت کرده و آنها را از توسل به تحریم به عنوان ابزار سیاست ملی محدود سازد. بر اساس مفاد این نظریه نه تنها تحریم ثانویه بلکه تحریم اولیه نیز مجاز نمی‌باشد. نظریه منع قانونی بیشتر از سوی اقتصاد دانان سیاسی کلاسیک- لیبرال مطرح شده است که طرفدار تجارت آزاد می‌باشند. از نظر اینها هرگونه اختلال عمومی و آگاهانه در جریان طبیعی و عادی معاملات اقتصادی باعث خسارت و آسیب به اقتصاد جهانی می‌گردد. (تدینی و توکلی، ۱۳۹۰: ۹۲) قائلین به این نظریه برای تایید دیدگاه خود استناداتی را از حقوق بین‌الملل و رویه‌های بین‌المللی موجود ارائه می‌دهند. مثلاً بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد در خصوص تعهد اعضا از خودداری از توسل به زور شامل تمامی اشکال زور از جمله نظامی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. کما اینکه مجمع عمومی در قطعنامه‌ای تحت عنوان «اقدامات اقتصادی به عنوان ابزار اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه» به شدت از کشورهای صنعتی می‌خواهد که از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، تجاری و اجتماعی سایر کشورها

استفاده نکنند. (قطعه‌نامه شماره ۱۹۹۱:۲۱۰) (حدادی، پیشین: ۱۱۷) نظریه منع قانونی طرفدارانی جدی در بین کشورهای در حال توسعه دارد. به گونه‌ای که این دسته از کشورها توسل به تحریم‌های یکجانبه را مغایر با حق توسعه می‌دانند. در این رابطه کنفرانس تجارت و توسعه در قطعه‌نامه‌ای تحت عنوان «عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز» بیان داشته است که: تمام کشورهای توسعه یافته باید از اعمال محدودیت‌های تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازات‌های اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد... علیه کشورهای در حال توسعه، به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی- سیاسی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد، خودداری ورزند. (قطعه‌نامه شماره ۱۵۲، ۱۳۸۲) (حدادی، همان: ۱۱۷)

۳- نظریه بی طرفی: این نظریه، ما بین نظریه حاکمیت کشور و نظریه منع قانونی قرار داد. این نظریه جنگ مستقیم اقتصادی از سوی یک کشور علیه دیگری را مجاز می‌داند، ولی بدنبال آن است که اثرات زیان آور آن را بر طرف‌های ثالث به حداقل برساند. رویکرد بی طرفی، تحریم اولیه را مجاز دانسته و در عین حال محدودیت‌هایی برای تحریم ثانویه قائل است. در حالی که از نظر دیدگاه حاکمیت کشور، دولت‌های حاکمیت دار علی اطلاق مجاز به اعمال سیاست‌های تحریمی بوده و از برقراری روابط اقتصادی با دیگران به هر دلیلی می‌توانند امتناع نمایند. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۸-۱۹)

در اعتبار حقوقی اعمال تحریم‌های یک جانبه، حتی در بهترین حالت آن جای تردید وجود دارد. در حالی که تحریم‌های یک جانبه اولیه و ثانویه آمریکا و غرب علیه ایران، به وضوح نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. جامعه بین‌المللی تنها به سازمان ملل متحد اختیار داده است که در وضعیت‌های خاص که تهدید علیه صلح یا نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه وجود دارد، اقدامات اقتصادی قهر آمیز اتخاذ کند. اقدامات یک جانبه دولت‌ها برای اعمال اقدامات اقتصادی قهر آمیز علیه سایر دولت‌ها هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل نداشته و مجمع عمومی بارها این قبیل اقدامات را به عنوان وسیله دستیابی به اهداف سیاسی تقبیح نموده است. قطعه‌نامه‌ها به شدت از کشورهای صنعتی می‌خواهند که از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، تجاری و

اجتماعی کشورها استفاده نمایند. «آنکتاد» نیز اقدامات اقتصادی قهرآمیز را بویژه هنگامی که علیه کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود را محکوم کرده و آن را مخالف «حق توسعه» که بر اساس «اعلامیه وین» و «برنامه عمل» ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ به عنوان حق جهانی و جزئی جدایی‌ناپذیر از حقوق اساسی بشر تلقی شده، می‌داند. قطعنامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی و بند ۱ اصل عدم مداخله به شرح زیر است: «هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر مداخله نماید». (آذری، پیشین: ۷۵)

دوم- مبنای حقوقی تحریم‌های سازمان ملل متحد

بر اساس حقوق بین‌الملل تنها سازمان ملل متحد تحت شرایط خاصی مجاز به اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه اعضاء ناقض قواعد و مقررات بین‌المللی می‌باشد. مهمترین ماده مشروعیت بخش برای تحریم‌های بین‌المللی، ماده ۳۹ منشور می‌باشد که در ادامه بحث به توضیح سازوکارها و محدودیت‌های اعمال این ماده می‌پردازیم. بر اساس بند یک ماده (۱) منشور ملل متحد، هدف اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. سازمان برای وصول به این هدف از مجموعه ابزارها و اقدامات دسته جمعی موثری بهره می‌گیرد. در چارچوب سازمان ملل متحد، شورای امنیت مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. بند یک ماده (۲۴) منشور در این زمینه اعلام می‌دارد که «به منظور تامین اقدام سریع و موثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نماید». بنابراین بر اساس مفاد این ماده، اگر چه تمامی اعضای سازمان ملل متحد در مقابل منشور متعهد بوده و باید نسبت به تهدیدات علیه صلح و امنیت مسئولانه رفتار نمایند، اما بر اساس ماده (۲۴) این مسئولیت را صراحتاً و مستقیماً به شورای امنیت واگذار نموده‌اند. همچنین بند دوم از ماده ۲ منشور به لزوم حسن نیت اعضا در انجام تعهداتشان اشاره دارد: «کلیه اعضا به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت، تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام خواهند داد». بند پنجم از همین ماده (۲) به لزوم مساعدت سازمان از سوی اعضاء اشاره دارد: «کلیه اعضا در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور به عمل می‌آورد، به سازمان همه‌گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر دولتی که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام

احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد، خودداری خواهند نمود». ماده ۴۹ منشور نیز اعلام می‌دارد که: «اعضای ملل متحد در دادن کمک متقابل به یکدیگر برای اجرای تصمیمات متخذه از طرف شورای امنیت تشریک مساعی خواهند کرد. در همین زمینه ماده (۲۵) منشور بیان می‌دارد که: «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند»

در زمینه واگذاری مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت و تعهدات اعضا به اجرای تصمیمات شورا باید توجه داشت که تکلیف و تعهدات اعضا نسبت به اجرای تصمیمات شورا و تشریک مساعی آنها تا زمانی است که تصمیمات متخذه شورای امنیت در چارچوب منشور ملل متحد باشد. ضمن اینکه تعهدات اعضا هم فراتر از تعهدات مندرج در منشور نمی‌باشد. کما اینکه بخش آخر بند یکم از ماده ۲۴ منشور اعلام می‌دارد که «اعضاء مراقبت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد، از طرف آنها اقدام نماید». به نظر می‌رسد معنای مستفاد از اصطلاح «مراقبت» این است که از نظر اعضای سازمان، عملکرد شورا باید بر اساس منشور باشد و در صورت تخطی شورا از منشور ملل متحد آنها تعهدی به اجرای آن نخواهند داشت. همچنین بند دوم از ماده ۲۴ اعلام می‌دارد که «شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل می‌کند». ماده ۲۵ نیز اعلام داشته است که «اعضاء موافقت می‌نمایند تصمیمات شورا را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند». مفهوم این سخن این است که اگر چه بر اساس منشور اعضا موظف به اجرای مصوبات شورا می‌باشند و اگر چه بر اساس ماده ۱۰۳ تعهدات منشوری اعضا بر سایر تعهدات بین‌المللی آنها تقدم دارد، با این حال اعضا تا زمانی موظف به اجرای این تصمیمات هستند که تصمیمات مذکور در چارچوب منشور اتخاذ شده باشد.

آنچه که از مفاد مواد ۲۴، ۲۵، ۴۹ و بندهای دوم و پنجم از ماده ۲ استنباط می‌شود این است که، در صورتی که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ روش‌های

قهرآمیز در قالب تحریم اقتصادی را ضروری تشخیص دهد، به لحاظ حقوق بین‌الملل اعضاء ملزم به اجرای تحریم‌های اقتصادی می‌باشند.

مرجع تشخیص اقدامات ناقضانه و اعمال اقدامات قهرآمیز

بر اساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد: «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود». در ماده ۳۹ به سه وضعیت تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز کارانه اشاره شده است. بر اساس منشور، صلاحیت انحصاری تشخیص هر کدام از وضعیت‌های سه گانه با شورای امنیت می‌باشد. لازم به ذکر است که رویه شورای امنیت همواره پرهیز از اشاره صریح به ماده ۳۹ منشور بوده است (موسی زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۷). علت این است که اعضای شورای امنیت همیشه بر سر تعیین نوع اختلاف، اتفاق نظر ندارند، بنابراین شورا راه حل را عملاً در این یافته است که به طور ضمنی به پدیدار شدن اختلافی در جهان اشاره کند که به هر صورت مصداق یکی از سه نوع مفهوم مندرج در ماده ۳۹ است. (آقایی، ۱۳۸۴: ۱۳) نکته قابل ذکری که در این زمینه وجود دارد این است که تدوین کنندگان منشور ملل متحد از روی عمد تعریف مشخصی از مفاهیم سه گانه موجود در ماده ۳۹ ارائه نداده‌اند، زیرا هدف این بوده است که شورای امنیت در اعمال فصل هفتم مبسوط الید بوده باشد.

اقدامات تحریمی شورای امنیت بر اساس ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور

قدرت شورا در اعمال تحریم‌ها مبتنی بر ماده ۴۱ منشور می‌باشد. (بوریس، ۲۸۱) بر اساس این ماده، شورای امنیت در واکنش به نقض ماده ۳۹ با توسل به تحریم واکنش نشان می‌دهد. شورا می‌تواند از اعضای سازمان ملل بخواهد که به اقداماتی شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی، ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و نیز قطع روابط سیاسی مبادرت ورزند. تحریم به عنوان عامل اجرای فشار سیاسی برای تغییر مشی دولتهایی است که از نظر شورا، اعمالشان به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌انجامد. هدف مفروض از اعمال تحریم این است که با بالا بردن

هزینه‌های تحریم، دولت هدف را مجبور به تغییر رفتار سیاسی نمایند یا اینکه با اعمال فشار اقتصادی بر مردم، آنها را وادار به اعتراض و واکنش بر علیه دولت خود نمایند. باید توجه داشت که در مورد موفقیت رژیم تحریم در بین پژوهشگران و سیاستمداران اجماع نظر وجود ندارد، حداقل اینکه رژیم تحریم اگر چه ممکن است در یک پروسه زمانی بر روند رشد و رفاه عمومی اقتصادی- اجتماعی کشوری تاثیر بگذارد اما منجر به تغییر رفتار سیاسی یک کشور نمی‌گردد. (میر عمادی، ۱۳۹۰: ۸۵)

الزام دولتها به اجرای مفاد ماده ۴۱

مبنای حقوقی الزام دولتها به اجرای مفاد ماده ۴۱، ماده ۲۵ منشور می‌باشد. بر اساس این ماده، دولت‌های عضو سازمان، قبول و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت را پذیرفته‌اند. همچنین بندهای ۲ و ۵ از ماده ۲ به لزوم اجرای تعهدات اعضا در قبال تصمیمات شورای امنیت اشاره نموده است. البته دولت‌های عضو ممکن است ارتباطات خود را با دولت مورد تحریم در زمینه‌هایی که مورد تحریم نیستند، ادامه دهند. (آذری، پیشین: ۷۱) ضمن اینکه بر اساس ماده ۵۰ منشور، کشورهای ثالثی که ممکن است با اجرای تحریم علیه کشور هدف، خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاصی ناشی از اجرای آن اقدامات ببینند، اعم از اینکه عضو سازمان باشند یا نباشند، حق خواهند داشت در مورد حل آن مشکل با شورای امنیت مشورت نمایند.

کمیته‌های تحریم^۱

کمیته‌های تحریم نقش برجسته‌ای در نظارت بر اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت در تحریم‌های هوشمند دارند. اولین کمیته تحریم در سال ۱۹۶۸ در ارتباط با تحریم رودزیای جنوبی و دومین کمیته تحریم در سال ۱۹۷۷ بر علیه آفریقای جنوبی تشکیل شد ... وظیفه کمیته تحریم سیاسی، اداری یا نیمه قضایی است. (کادن بروک، ۱۹۹۸: ۳۹) تحت این شرایط وظیفه بررسی و بازبینی اقدامات صورت گرفته توسط دولت‌های عضو برای اجرای تحریم‌ها (در خواست و دریافت گزارشات دوره‌ای) و نظارت بر نقض تحریم‌ها به مرکز کمیته‌های

^۱ . Sanction Committees

تحریم واگذار شده است. (والنستین، ۱۳۸۶: ۲۶) کمیته‌های تحریم گزارشات دریافتی را تنظیم و به شورای امنیت ارائه می‌دهند. از وظایف مهم دیگر کمیته‌ها، ارزیابی تأثیرات انسانی تحریم‌ها می‌باشد.

محدودیت‌های بکارگیری ابزار تحریم در قالب سازمان ملل متحد

اگر چه شورای امنیت برای اجرای تصمیمات خود از ابزارهای گسترده‌ای بر اساس فصل هفتم بهره مند می‌شود، اما این به معنای قدرت نامحدود شورا نمی‌باشد. سازمان ملل متحد، سازمانی است که بر اساس حاکمیت قانون شکل گرفته است و در نتیجه ارگانهای مربوطه نیز در ایفای نقش خود باید بر اساس قواعد منشور عمل نمایند. منشور ملل متحد اصول تعهدات حقوق بشری شورا را مشخص نموده است. شورا در اعمال تحریم‌های مبتنی بر ماده ۴۱ باید مطابق با اهداف و اصول سازمان ملل مذکور در ماده ۱ و ۲ عمل نماید. بند یک از ماده ۱ بیان می‌دارد که ابزارهای اتخاذ شده برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نه تنها باید موثر باشد بلکه باید با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل مطابق باشد. (کراجیو، پیشین: ۱۱) اقدامات شورای امنیت باید با آزادی‌های اساسی مانند حق زندگی، حق توسعه، حق دستیابی به غذای کافی و امکانات بهداشتی و دارویی مناسب را تضمین نماید. (بوریس، ۲۸۸) شورای امنیت علیرغم داشتن اهداف صریح و ضمنی در اعمال تحریم‌ها، با این حال در اعمال تحریم با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد که عبارت است از: اصول حقوق بین‌الملل عام، که شورای امنیت باید در اعمال و اجرای تحریم‌ها باید به آنها پایبند باشد. تحت این شرایط پایبندی شورای امنیت به اصول حقوق بین‌الملل عام در اعمال تحریم‌های اقتصادی مستلزم رعایت سه اصل انسانیت (رعایت موازین انسانی)، ضرورت و تناسب می‌باشد.

همچنین شورای امنیت ملزم به رعایت قواعد آمره در زمینه اعمال تحریم‌های اقتصادی می‌باشد. این دسته از قواعد در جایگاهی برتر نسبت به مقررات منشور قرار دارند و حتی ماده ۱۰۳ منشور نیز نمی‌تواند برتری آنها را خدشه دار سازد و ممنوعیت تجاوز، نسل‌کشی، تبعیض نژادی، شکنجه، جنایت علیه بشریت و حق تعیین سرنوشت از جمله برخی از مصادیق قواعد

آمره می‌باشد. همچنین حق حیات از جمله قواعد مهم آمره می‌باشد به گونه‌ای که هر گونه تحریم سازمان ملل متحد نباید مغایرتی با اصل حق حیات مردم یک کشور داشته باشد. همچنین تحریم‌های سازمان ملل متحد باید با موازین حقوق بشر، مطابقت داشته باشد. شورای امنیت اولاً باید همواره حقوق اساسی بشر را در برنامه‌های تحریم اقتصادی رعایت نماید و ثانیاً تحریم‌هایی را که موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردد، وضع ننماید و در صورتی که اقدام به وضع چنین تحریم‌هایی نمود، آنها را متوقف سازد. همچنین علیرغم آنکه قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی خاص زمان جنگ و مخاصمات مسلحانه می‌باشد، اما دو اصل تفکیک میان افراد نظامی و غیر نظامیان و ممنوعیت ایجاد قحطی و گرسنگی برای غیر نظامیان قابل تسری و تعمیم به برنامه‌های تحریم اقتصادی در زمان صلح نیز می‌باشند.

نهایت اینکه اصل تفکیک ایجاب می‌نماید که تنها کسانی در معرض اثرات تحریم‌ها قرار گیرند که در زمره افراد مسئول و تصمیم‌گیرنده به شمار می‌آیند. بنابراین افراد عادی و غیر مسئول نباید از تحریم‌ها زیان ببینند و تحریم‌های اقتصادی هوشمند با هدف قرار دادن اشخاص مسئول تا حدود زیادی به رعایت اصل تفکیک کمک می‌کنند. (فرخ سیری، ۱۳۸۷: ۵۸)

نتیجه‌گیری

در نظام بین‌الملل عمدتاً دو نوع تحریم یکجانبه و بین‌المللی وجود دارد که به لحاظ حقوقی از جایگاه یکسانی برخوردار نیستند. تحریم‌های یکجانبه اساساً برخلاف حقوق بین‌الملل بوده و با روح همکاری، مساعدت و معاضدت بین‌المللی کشورها سازگاری ندارد. هر چند برخی از کشورهای صنعتی در توجیه تحریم‌های یکجانبه به اصل حاکمیت ملی خود استناد می‌نمایند، اما توسل به عنصر تحریم و انتقام اقتصادی، با وجود نظام حل و فصل اختلافات بین‌المللی در سطوح دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی جای توجیه ندارد. ضمن اینکه منشور سازمان ملل متحد و سایر اسناد بین‌المللی نیز توسل به هر شکلی از زور (از جمله تحریم اقتصادی) را در روابط دو جانبه یا چند جانبه با سایر ملت‌ها را ممنوع اعلام نموده است.

تحریم‌های بین‌المللی در قالب سازمان ملل متحد مبتنی بر ماده ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد می‌باشد. به همین دلیل تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل متحد تحت شرایط خاصی مبتنی بر حقوق بین‌الملل بوده و از مشروعیت حقوقی برخوردار می‌باشد. رعایت اینگونه از تحریم‌ها برای تمامی اعضای سازمان الزامی می‌باشد. بر اساس ماده ۳۹ در صورت هرگونه تهدید صلح، نقض صلح و اقدام تجاوزکارانه، تنها شورای امنیت صلاحیت تشخیص و اعمال تحریم‌های مبتنی بر مفاد ماده ۴۱ را دارد. بر اساس مواد ۲۴ و ۲۵ و بندهای دوم و پنجم از ماده ۲ منشور کشورهای عضو سازمان متعهد به قبول و اجرای تصمیمات شورای امنیت شده‌اند. با این حال، هرچند که اعضای سازمان ملزم به رعایت اینگونه از تحریم‌ها می‌باشند، اما اعضای سازمان ملل متحد تا زمانی ملزم به رعایت قطعنامه‌های تحریمی سازمان می‌باشند که اولاً: اینگونه از تصمیمات بر طبق منشور اتخاذ شده باشد و ماهیت سیاسی و تبعیض آمیز نداشته باشد. ثانیاً: تصمیمات اتخاذ شده با اصول حقوق بین‌الملل عام، قواعد آمره، اصول حقوق بشر و حقوقی مانند حق توسعه و حق دسترسی به غذا و حق بهره‌مندی از مراقبت‌های بهداشتی و دارویی اساسی منافات نداشته باشد.

منابع فارسی

کتب

- آذری، مصطفی (۱۳۸۷)، *تحریم اقتصادی آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
- آقایی، سید داوود (۱۳۸۴)، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: نسل نیکان، چاپ چهارم
- فیوضی، رضا (۱۳۵۲)، *مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی*، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی
- قطعنامه شماره ۲۱۰، مجمع عمومی، ۱۹۹۱
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۹)، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان، چاپ پانزدهم
- والنستین، پیتر (۱۳۸۶)، *اثر بخشی تحریم‌های هدفمند*، مترجمان: حسن شکوه و مهدی کلاته، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد

مقالات

- حدادی، مهدی (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، *تحریم‌های بین‌المللی، ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین‌المللی*، اندیشه حقوقی، سال اول، شماره سوم
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶)، *تحریم اقتصادی از نظریه تا عمل*، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم شماره ۱
- ، (زمستان ۱۳۸۹)، *تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران: جایگزین جنگ یا مؤلفه اصلی تحریم*، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم شماره چهارم
- عباس تدینی کازرونی، ناهید توکلی (تابستان ۱۳۹۰)، *تحولات تحریم در پرتو تحولات بنیادین دهه‌های اخیر*، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۶
- عسگر خانی، ابو محمد (۱۳۸۳)، *رژیم‌های بین‌المللی*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابزار معاصر

- فرخ سیری، منصور (۱۳۸۷)، محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹
- محمد جواد ظریف، محمد کاظم سجاد پور (۱۳۸۷)، دیپلماسی چند جانبه و نظریه و عملکرد سازمان های منطقه ای و بین المللی، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل
- و سعید میرزایی (بهار ۱۳۷۶)، تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱
- میر عمادی، طاهره (تابستان ۱۳۹۰)، چارچوبی برای ارزیابی راهبردهای مقابله با تحریم از منظر نظام ملی نوآوری، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال سوم، شماره ۴
- ولیزاده، اکبر (بهار ۱۳۹۰)، رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین-المللی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱

خبرگزاری

- ممتاز، جمشید، اصول حقوق عمومی حاکم بر قطع روابط تجاری، قابل دسترسی در سایت نورمگز و پورتال علوم انسانی

منابع انگلیسی:

- Boris, Kondocho, www.casi.org.uk/info/kondocho1.PDF
- Doxey, Margaret, (1996), **International Sanctions**, in World Politics: Power, Interdependence and Dependence, Canada: Harcourt Brace, Jovanovich
- Kiragu Ruth, (2010), **Muithuiya, Assessing the Effectiveness of UN Targeted Sanctions**, University of Vienna, 31 May
- Malloy, Micheal, (1990), **Economic Sanctions and US Trade**, Boston: Little, Brown
- Majlessi, M. Shervin, (1999), **Use of Economic Sanction under International Law : A Contemporary Assessment**, Institute of Comparative Law, McGill University, Montreal, Canada
- Quinn, Robert, (1997), **Policy Analyst**, the Heritage Foundation Backgrounder, No. 1126 of 25 June
- www.gppi.net/.../koddenbrock, (2008), **Smart Sanctions Against Failed States**, PDF